

پژوهش در عمل

راه‌های تقویت احترام به قوانین با مشارکت دانش‌آموزان

بهرروز انصاری
دبیر مدرسه نمونه شهید فهمیده اراک

چکیده

پس از چند هفته تدریس، رفتار نامناسب و عدم رعایت قوانین توسط بعضی از دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزی به نام محمد-آ را مشاهده کردم؛ مواردی از قبیل تأخیر در ورود به کلاس، بی‌نظمی در کلاس و در حیاط مدرسه، انجام ندادن تکالیف، درگیری با دانش‌آموزان، و... موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم و اطلاعاتی در این زمینه از معاون، نماینده کلاس، دبیران و معلم پرورشی جمع‌آوری کردم. سپس فرم شماره ۱ را تهیه کردم و بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات آن و با استفاده از نظرات همکاران و اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه، تصمیم گرفتم که این مشکل را که تقریباً در اکثر مدارس دیده می‌شود، به نحوی مطلوب و بدون اعمال زور و به روش مشارکتی و با تنظیم یک قانون مکتوب (به‌نام منشور اخلاقی و انضباطی) توسط خود دانش‌آموزان کاهش دهم. راه‌حل را به اجرا درآوردم و در نهایت پس از شش ماه، بی‌نظمی و عدم رعایت قوانین و مقررات به‌طور چشم‌گیری تقلیل یافت. به‌طوری که در جلسه دبیران، اکثر همکاران و معاونت آموزشگاه متقاضی اجرای طرح در سایر کلاس‌ها شدند و از دانش‌آموزان کلاس من رضایت کامل داشتند.

کلیدواژه‌ها: انضباط، مشارکت، منشور اخلاقی



مقدمه

امام علی (ع) هنگامی که در بستر شهادت آرمیده بود، در یکی از حساس‌ترین توصیه‌های خود به فرزندانش، بر «نظم و انضباط» با جمله بسیار کوتاهی چنین تأکید کرد: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». یعنی هر مسلمانی باید در جمیع شئون زندگی خود نظم و انضباط، و مقررات را رعایت کند.

رعایت مقررات در محیط خانواده، مدرسه یا اجتماع را انضباط می‌گویند. کودکی که به گفتار پدر و مادر عمل می‌کند، شاگردی که به قوانین آموزشگاه توجه دارد، و انسانی که قوانین اجتماعی را رعایت می‌کند، افرادی منظم خواهند بود. شاید برخی تصور کنند که اصول انضباطی با آزادی انسان سازگار نیست، ولی چنین نیست. انضباط به خاطر محدود یا کم کردن آزادی دانش‌آموز نیست، بلکه بیشتر برای آن است که بیاموزد از آزادی خود چگونه و بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران استفاده کند. معلم باید بداند که سازگاری و توافق یا همدلی، نه به معنای سرگرم کردن دانش‌آموزان است و نه به معنای دوست بودن با آن‌ها. به‌رغم حرف‌هایی که دانش‌آموزان بر زبان می‌آورند، آن‌ها به معلمی احتیاج دارند که به ایشان احترام بگذارد؛ نه کسی که در کلاس با آن‌ها مزاح کند. به بیان دیگر، همدلی با دانش‌آموزان و درک آن‌ها به معنای ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری در کلاس است. وظیفه اصلی معلم استقرار و ایجاد چنین موقعیتی برای یادگیری است.

چند هفته اول سال تحصیلی در ایجاد جو مورد انتظار معلم در کلاس، اهمیت خاصی دارد. طی این مدت معلم باید تمامی مشکلات انضباطی را قبل از این که به صورت عادت درآیند، از بین ببرد.

ردیف	نام و نام خانوادگی دانش آموز	موارد بی انضباطی	گزارش توسط
۱	رضا- ط	تأخیر ورود به کلاس- بی انضباطی در کلاس	نماینده کلاس و معاون
۲	حسین- ن	درگیری با یکی از دانش آموزان- تأخیر در ورود به کلاس	نماینده کلاس
۳	مجید- ن	درگیری با نماینده کلاس	نماینده کلاس
۴	محمد- پ	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
۵	احسان- ا	تأخیر در ورود به کلاس- بی انضباطی در صف	معاون
۶	علی- ا	اجازه گرفتن بی مورد و خروج از کلاس	مشاهده خودم
۷	حسن- ش	درگیری با دانش آموز	سرگروه
۸	محمد- ر	بی نظمی در حیاط مدرسه	معاون
۹	محمد- آ	انجام ندادن تکالیف- بی انضباطی در کلاس و درگیری با یکی از دانش آموزان	سرگروه و نماینده کلاس
۱۰	علی- ح	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
۱۱	محمد- ص	غیبت روزانه	معاون
۱۲	احسان- ی	درگیری با یکی از دانش آموزان	نماینده کلاس
۱۳	مسعود- ا	اخراج از کلاس	نماینده کلاس و معاون
۱۴	محمد رضا- ع	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
۱۵	حسین- ت	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
	جمع کل دانش آموزان کلاس: ۳۵ نفر	موارد عدم رعایت قوانین و مقررات: ۲۰ مورد	حدود ۵۷ درصد

جدول ۱. دانش آموزان بی انضباط و موارد بی انضباطی آن‌ها

بیان مسئله و نحوه برخورد با آن

بعد از چند هفته تدریس تعلیمات اجتماعی در کلاس دوم مدرسه راهنمایی که تعداد دانش آموزان آن ۳۵ نفر بود، متوجه شدم که بعضی از دانش آموزان با تأخیر به کلاس می آیند. هم چنین بعضی به عناوین متفاوت اجازه خروج از کلاس را دارند. تعدادی هم از مزاحمت به بغل دستی‌های خود ابراز شکایت می کردند. به مرور متوجه شدم بعضی از آن‌هایی که اجازه می گیرند و برای آب خوردن و غیره بیرون می روند، برای دانش آموزان دیگر در حیاط مدرسه مزاحمت ایجاد می کنند یا به در و دیوار آسیب وارد می کنند یا دیر به کلاس برمی گردند. بعضی دانش آموزان هم در انجام تکالیف کوتاهی می کنند (خصوصاً دانش آموزی به نام محمد- آ).

این مسائل برای من اهمیت بسزایی داشتند، زیرا نبودن نظم و انضباط در کلاس و مدرسه، علاوه بر آشفتگی روحی برای معلمان و سایر دانش آموزان، باعث می شود که دانش آموزان نتوانند حواسشان را برای آموختن کاملاً جمع کنند. همین‌طور نبود نظم در مدرسه باعث می شود که فضای نامطلوبی از مدرسه، درس و یادگیری در ذهن بچه‌ها به وجود آید و شاید این خود عاملی برای بی‌علاقگی و دلزدگی آن‌ها نسبت به مدرسه شود. دانش آموزان اگر یاد نگیرند که زباله‌ها را داخل سطل آشغال بریزند یا قوانین مدرسه را رعایت نکنند، مسلماً در آینده فرد مفیدی در جامعه نخواهد بود. حتی اگر بخواهند از خیابان عبور کنند، نظم و مقررات را نمی‌توانند به نحو احسن رعایت کنند.

به این فکر افتادم که کاری کنم تا دانش آموزان خود میل و رغبت داشته باشند نظم را رعایت کنند. بدون اهرم زور یا تنبیه، دانش آموزان به‌طور خودخواسته نظم و مقررات را رعایت کنند تا این مشکل که تقریباً در اکثر مدارس وجود دارد، به نحوی مطلوب حل شود. باید می فهمیدم:

۱. آیا با استفاده از روش مشارکتی می‌توان نظم‌پذیری و رعایت قوانین توسط دانش آموزان را تقویت کرد؟
۲. آیا دانش آموزان به قوانین اخلاقی که خود تنظیم می‌کنند پای بند هستند؟

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

پس از هماهنگی با معاون آموزشگاه، معلم پرورشی و نماینده معلمان، فرمی را تهیه کردم (فرم شماره ۱ پیوست) که ابتدای سال باید توسط دانش آموزان و اولیا مطالعه و تکمیل می‌شد. بعد از مدت دو ماه اطلاعاتی از آن به شرح جدول ۱ استخراج کردم. جای جدول البته بعضی دانش آموزان دو مورد تخلف داشتند. ضمناً با هر مورد تشویق، دو مورد از بی‌انضباطی آن‌ها حذف می‌شد. از محاسن دیگر این فرم آشنایی اولیا و دانش آموزان با آئین‌نامه انضباطی و آسان‌تر شدن کار معاون آموزشگاه در ثبت موارد اخلاقی و تربیتی دانش آموزان بود.

انتخاب راه حل جدید

پس از بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده، سعی کردم برای رفع مشکل موجود راه‌حلی پیدا کنم. بدین منظور از معاون مدرسه کمک خواستم و ایشان روش تنبیه و تشویق و ارتباط با اولیا را پیشنهاد کردند. با معلم راهنما (مشاور) مشورت کردم که ایشان گفتند این دانش‌آموزان را معرفی کن تا با آن‌ها صحبت کنم. موضوع را در شورای دبیران مطرح کردم و هر کدام از دبیران نظرات متفاوتی ارائه کردند. با بعضی خانواده‌ها که بچه‌های منضبطی داشتند، تلفنی و حضوری صحبت کردم که اغلب ایشان داشتن برنامه و آموزش غیرمستقیم را از عوامل موفقیت خود می‌دانستند. با مدیریت آموزشگاه مشورت کردم و ایشان فرمودند هر کاری از دست من برآید حاضرم انجام دهم. حتی اگر صلاح می‌دانید، با هدایایی دانش‌آموزان منظم را تشویق کنیم تا برای دیگران انگیزه ایجاد شود و آن‌ها هم به قوانین و مقررات احترام بگذارند. راه‌حل ابتکاری خودم این بود که کاری کنم تا دانش‌آموزان برای تغییر نگرش خود میل و رغبت پیدا کنند و خود خواسته و بدون نظارت و کنترل، موارد انضباطی و قوانین و مقررات آموزشگاه را رعایت کنند. یعنی رعایت مقررات به ارزشی مستمر و پایدار تبدیل شود (ساختن شهروندی ایده‌آل و تابع قوانین و مقررات)؛ بدون آن که بدین منظور نه فشار و زور که موقتی است بر افراد حاکم شود و نه از تشویق استفاده شود که ممکن است به مرور ارزش خود را از دست بدهد.

راه حل اصلی

راه‌حل بدین صورت بود که فرمی (فرم شماره ۲) تهیه کردم که از دو قسمت تشکیل شده بود. عنوان قسمت سمت راست «حقوق من» و عنوان قسمت سمت چپ «وظایف و مسئولیت‌ها در برابر آن

حق» بود. فرم‌ها را به تعداد دانش‌آموزان کلاس تکثیر کردم و در اختیار آن‌ها گذاشتم. از آن‌ها خواستم حقوق خود را نسبت به معلم، مدیر، معاون، آموزشگاه و... در سمت راست بنویسند و در برابر آن در سمت چپ، وظایف خود را در برابر هر حق یادداشت کنند. بعد از ۲۰ دقیقه فرم‌ها کامل شدند و آن‌ها را گروه‌بندی کردم. کوشیدم دانش‌آموزان بی‌نظم را در یک گروه قرار ندهم. گفتم اعضای گروه‌ها کنار هم بنشینند. یک فرم سفید تحویل سرگروه دادم و از اعضای گروه‌ها خواستم با اتفاق نظر خودشان مواردی را که لازم می‌دانند، داخل فرم اصلی بنویسند. سعی کنند موارد تکراری نباشد و از نظر تعداد هم محدودیت ندارند.

حدود نیم ساعت طول کشید و هر گروه فرم‌های خود را تحویل من دادند. از دانش‌آموز، محمد-آ که مشکل انضباطی و رفتاری داشت، خواستم پای تخته کلاس بیاید و موارد مربوط به گروه را یکی از دانش‌آموزان قرائت کرد و او روی تابلو نوشت. از کل دانش‌آموزان نظرخواهی کردیم. اگر در موردی به توضیح نیاز بود، نماینده هر گروه توضیح می‌داد تا دیگران متقاعد شوند. هر موردی اکثریت به آن رأی می‌داد، به صورت یک قانون تصویب و ثبت می‌شد (فرم شماره ۳). اگر هم مخالفت می‌کردند، می‌باید دلایل خود را می‌گفتند.

در نهایت موارد تصویبی و مورد توافق پس از امضای همه دانش‌آموزان کلاس، تایپ و در گوشه کلاس نصب شد. تذکر دادم که این قوانین را خود تصویب کرده‌اید و امیدوارم به آن پای‌بند باشید و آن‌ها به کار ببندید. اکثریت دانش‌آموزان احساس رضایت می‌کردند.

حقوق کودک

منشور اخلاقی و انضباطی کلاس دوم شهید هاشمی نژاد

حقوق من:	مسئولیت‌های من:
۱. اگر گاهی اوقات دیر به مدرسه رسیدم، معلم زیاد سخت‌گیری نکنند.	۱. سعی می‌کنم به موقع به مدرسه برسم.
۲. من حق دارم در بحث‌های گروهی شرکت و از معلم خود انتقاد کنم.	۲. انتقاد باید به‌جا و سازنده و در ارتباط با درس باشد. من در گروه باید فعال باشم.
۳. معلم بین من و دیگر دانش‌آموزان تبعیض قائل نشود.	۳. سعی می‌کنم مانند دانش‌آموزان خوب، قوانین را رعایت کنم.
۴. اگر مشکل خاصی برایم پیش آمد، یا هوا سرد بود، حق دارم زنگ تفریح در کلاس بمانم.	۴. وقتی در کلاس می‌مانم: بی‌نظمی نکنم و به وسایل دیگران دست نزنم.
۵. در مسائل انضباطی یا کسب نمره کم، در جمع سرزنش نشوم.	۵. سعی می‌کنم کمبود نمره‌ام را جبران کنم و مشکل انضباطی را رفع کنم.
۶. حجم تکالیف در یک روز زیاد نباشد و همه معلم‌ها در یک روز ارزش‌یابی نکنند.	۶. تکالیف را کامل انجام دهم و نمرات خوبی کسب کنم.
۷. فقط در مواقع ضروری از کلاس خارج شوم.	۷. وقتی از کلاس خارج می‌شوم، سوءاستفاده نکنم و برای سایر کلاس‌ها مزاحمت به‌وجود نیآورم.
۸. در صورت عدم حضور معلم در کلاس، از امکانات ورزشی، کتاب‌خانه و... استفاده کنم.	۸. باعث بی‌نظمی نشوم، به وسایل آسیب نرسانم، و با مدیر و ناظم همکاری کنم.
۹. اگر نمرات مستمر من رو به رشد باشد، معلم نمرات ضعیف مرا در نظر نگیرد.	۹. نمرات بهتری کسب کنم و به تحقیق و پژوهش و فعالیت خارج از کلاس بپردازم.

اجرای طرح جدید نظارت بر آن

از راه‌حل‌هایی که به دست آوردم، بعضی‌ها هزینه‌بر بودند، اجرای بعضی مشکل بود، بعضی اثربخشی چندانی نداشتند، و بعضی راه‌حل‌ها هم دانش‌آموزان خاصی را مخاطب قرار می‌دادند. تصمیم گرفتم از تجربیات همکاران و اولیا استفاده کنم و راه‌حل ابتکاری خودم را با تلفیقی از سایر راه‌حل‌ها به اجر در آورم. ابتدا اهمیت موضوع را برای دانش‌آموزان به صورت شفاهی توضیح دادم

برای برقراری نظم در مدرسه می‌کوشید و حتی دیگران را به اجرای نظم دعوت می‌کرد.

پس از گذشت پنج ماه از اجرای طرح اصلی، اطلاعات جدول ۲ جمع‌آوری شد که با شواهد دوره اول متفاوت بود. دانش‌آموز مورد نظر (محمد-آ) نیز بسیار متعادل تر شده بود. جای جدول به این ترتیب، موارد بی‌انضباطی بسیار تقلیل یافت. اکنون معاون آموزشگاه اظهار رضایت می‌کرد و دانش‌آموزان کلاس دوم

ردیف	نام و نام خانوادگی دانش‌آموز	موارد انضباطی	گزارش توسط
۱	رضا-ط	بی‌انضباطی در کلاس	نماینده کلاس
۲	حسین-ن	تأخیر در ورود به کلاس	معاون آموزشگاه
۳	محمد-آ	بی‌انضباطی در کلاس	نماینده کلاس
۴	محمد رضا-ع	انجام ندادن تکالیف	مشاهده خودم
۵	محمد-ص	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
۶	مسعود-د	بی‌انضباطی در صف	معاون
۷	حسن-ش	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
	جمع کل دانش‌آموزان کلاس: ۳۵ نفر	موارد عدم رعایت قوانین و مقررات: ۷ مورد	حدود ۲۰ درصد

شهید هاشمی‌نژاد سر صف صبحگاهی تشویق می‌شدند. حتی به دانش‌آموزان مورد نظر (محمد-آ) هدیه‌ای داده شد. وی به‌طور بسیار چشم‌گیری تغییر یافته بود. روز معلم پدرش با حضور در آموزشگاه از من تشکر کرد. در شورای دبیران، معاون آموزشگاه در موارد اجرای طرح من و نتایج مثبت آن توضیحاتی داد. سایر دبیران چون تأثیر را تا حدودی درک کرده بودند، درخواست کردند در سال آینده در تمام پایه‌های تحصیلی آموزشگاه طرح اجرا شود و قول همکاری دادند. در بررسی فرم‌های مخصوص ارتباط با خانواده دریافتیم که اکثر آن‌ها از داشتن برنامه منظم فرزندشان خشنودند.

نتیجه‌گیری

هدف اساسی تربیت دانش‌آموز این است که اصول انضباطی در او تثبیت شود و فردی منظم گردد. در این روش، انضباط به معنای اطاعت محض و فرمان‌برداری نیست. به‌جای فرمان دادن و گفتم بکن و نکن، سعی می‌شود با حفظ شخصیت کودک به او تفهیم شود که زندگی بهتر در رعایت اصول انضباطی است. هرچه با نظم و مقررات آشنایی بیشتری داشته باشد، لذت و بهره کامل‌تری از زندگی خواهد برد. بدیهی است که میان عمل به قوانینی که خود دانش‌آموز به دست خود وضع کند یا در وضع آن‌ها شرکت داشته باشد، با مقرراتی که دیگران برایش وضع کرده‌اند، اختلاف آشکاری وجود دارد. روی این اصل اگر بخواهیم دانش‌آموز با اولین اشاره، هم‌چون ابزاری در چنگ قدرت ما اسیر باشد، باید با او از راه اعمال قدرت و زور رفتار کنیم. ولی اگر بخواهیم او شخصیتی دارای فکر مستقل و با ابتکار شود و زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشد، باید به او اجازه دهیم که به اصول انضباطی براساس فکر خودش برسد.

و گفتم من نمی‌خواهم به‌صورت تئوری نظم را در درس اجتماعی حفظ کنند، بلکه دوست دارم عملاً نظم و مقررات را انجام دهند و به آن پای‌بند باشند. ضمناً رعایت نظم فقط در مدرسه نباشد، بلکه در خانه و جامعه نیز آن را رعایت کنند (البته برای اطلاع از عملکرد دانش‌آموز در خارج از مدرسه، فرمی تهیه کردم که قرار شد خانواده آن‌را تأیید کنند و نمونه‌ای از آن به پیوست همین پژوهش است). سرانجام راه‌حل را اجرا کردم، البته کمی صبر و حوصله لازم داشت. حدود دو هفته بعد دانش‌آموزان خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی می‌دانستند و حتی مانع قانون‌شکنی سایرین می‌شدند. اگر دانش‌آموزی ناخودآگاه موردی را فراموش می‌کرد، بقیه با اشاره به قانون‌نامه نصب شده در کلاس، مورد را به او یادآوری می‌کردند. از نظر درسی هم کلاس رشد چشم‌گیری داشت و علاقه نسبت به درس من بسیار زیاد شده بود. از آزادی که به آن‌ها داده شده بود ابراز رضایت می‌کردند، در صورتی که خیلی از موارد انضباطی را رعایت می‌کردند (کنترل غیرمستقیم توسط خودشان صورت می‌گرفت).

گردآوری اطلاعات (شواهد)

رفتار و نوع عملکرد آن‌ها را کاملاً زیر نظر داشتیم و می‌دیدم که رفتار و حرکات آن‌ها معتدل تر شده است. کمتر با دانش‌آموزان دیگر درگیر می‌شوند، کمتر سر و صدا می‌کنند، و در اجرای نظم در کلاس فوق‌العاده حساس هستند. برعکس قبل که با سر و صدای بچه‌های به طرف کلاس می‌رفتم، اکنون فقط صدای زمزمه آن‌ها شنیده می‌شد. سر صف بسیار مرتب می‌ایستادند و بیشتر از سایر کلاس‌ها به دستورات مدیر، من و معلمان توجه داشتند. دانش‌آموزی که تا دیروز خود عامل بی‌نظمی بود، حالا

با اجرای این پژوهش توانستم به‌طور غیرمستقیم مشکلات انضباطی (رفتارهای نامطلوب) دانش‌آموزان را به حداقل برسانم و جوی مناسب برای یادگیری مؤثری به‌وجود آورم. مسلماً کودکی که به قوانین آموزشگاه احترام بگذارد، در آینده شهروندی ایده‌آل و جامعه‌پذیری خواهد شد که نتیجه آن بر همهٔ امور اجتماعی و انسانی تأثیر گذار خواهد بود.

پیشنهادها

۱. یادگیری و رشد خود به خود اتفاق نمی‌افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلائی ممکن پاسخ داده شود.

۲. به هر طریق که ممکن است سعی کنید در ذهن دانش‌آموزانتان نگرش مثبتی نسبت به درس خود به‌وجود آورید، زیرا علل بسیاری از رفتارهای نامناسب، نگرش منفی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس است.

۳. سوء رفتار ممکن است ارتباطی به مسائل داخل کلاس نداشته باشد. موقعیت اجتماعی و اقتصادی، رشد و سلامت بدنی، توانایی روحی، مسائل خانه، شرایط جامعه و دیگر شرایط دانش‌آموز همه می‌توانند بر رفتار کلاسی آن‌ها اثر بگذارند. بنابراین، شناسایی، صحبت و مشاورهٔ خصوصی با دانش‌آموز بی‌انضباط ممکن است در پی بردن به مشکل او و بهبود رفتارش در کلاس کمک کند.

۴. همکاران محترم باید توجه داشته باشند که مقررات انضباطی که به منظور زندگی با دیگران، دنیای دانش‌آموز را احاطه کرده‌اند، باید به نظر و تصویب آن‌ها برسند. و دانش‌آموز هم در آن‌ها به هر عنوانی شده دخالت داشته باشد.

۵. پدران، مادران و مربیان باید توجه داشته باشند، گرچه انضباط به معنایی که اشاره شد برای دانش‌آموز ضرورت دارد و جزو اصول اساسی زندگی او به‌شمار می‌آید، ولی هرگاه برای دانش‌آموز طاقت‌فرسا باشد، جای تعجب نخواهد بود اگر کودک از زیر بار آن‌ها شانه خالی کند. چون دانش‌آموز وقتی خود را در حصار قانون دید، برای حفظ شخصیتش چاره‌ای به‌جز دریدن پردهٔ مقررات نخواهد داشت.

۶. سعی کنیم بین خانه و مدرسه ارتباط مستمر وجود داشته باشد، چراکه دانش‌آموزان اگر از جانب خانواده نیز تشویق و ترغیب شوند، خیلی از مقررات و موارد انضباطی را رعایت می‌کنند.

منابع

۱. فضلی‌خانی، منوچهر. راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس. انتشارات فرهنگی منادی تربیت. تهران. ۱۳۸۱.
۲. حوری‌زاد، بهمن و جبلی، پرچهره. روش‌های نوین یاددهی-یادگیری.
۳. قلی‌قورچیان، نادر. فرایند برنامه‌ریزی تکالیف درسی دانش‌آموزان. انتشارات منادی تربیت. ۱۳۸۱.
۴. مریل، ام دیوید. عمل کردن به‌جای گفتن. ترجمهٔ فرهاد سراجی.
۵. مجلهٔ پیوند، شمارهٔ ۲۹۶، خرداد ۱۳۸۳.
۶. گلاور، جان‌ای. روان‌شناسی تربیتی و اصول آن. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۸۱.
۷. اسماعیل‌نسب، مریم. «شیوه‌های مدیریت کلاس». مجلهٔ رشد معلم. دورهٔ ۲۳.

